

اخلاق در قرآن و سنت

حاوی

یکصد مبحث اخلاقی

جلد اول

علی غضنفری

سرشناسه: غضنفری، علی، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق در قرآن و سنت: حاوی یکصد مبحث اخلاقی / تألیف علی غضنفری
مشخصات نشر: قم: مارینا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲ جلد، ۶۱۶ ص.
قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۲۱-۱۶-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: ۱. اخلاق اسلامی؛ ۲. احادیث اخلاقی - قرن ۱۴؛ ۳. قرآن - اخلاق
رده بندی کنگره: ۳ الف ۶ غ / BP۲۴۷/۸
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

- عنوان: اخلاق در قرآن و سنت (حاوی یکصد مبحث اخلاقی)؛ جلد یک
- ناشر: مارینا
- مؤلف: دکتر علی غضنفری
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
- چاپ: دژ
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۲۱-۱۶-۶

فهرست

۱۹	مقدمه.....
۲۷	عناوین مباحث جلد اول.....
۲۹	ابلیس.....
۳۵	شیوه عمل ابلیس.....
۴۱	قدرت مانور شیطان.....
۴۲	بندگان ابلیس.....
۴۳	عوامل مصونیت.....
۴۷	عوامل رهایی از گزند ابلیس.....
۶۳	اثر گناه.....
۶۴	کبیره و صغیره.....
۶۸	بیماری گناه.....
۷۲	مکافات و مجازات.....
۷۶	حکمت اثر وضعی.....
۷۹	اسراف و اقتار.....
۸۰	مصادیق اسراف.....

۸۱	۱- خوردن و آشامیدن
۸۲	۲- اسراف در اموال
۸۳	مقدار انفاق
۸۸	۳- اسراف در اعمال
۹۰	اسراف در اعمال خیر
۹۳	افتخار کاذب
۹۴	وجه حسن
۹۶	فصاحت و بلاغت
۹۸	مال و اولاد
۱۰۰	حسب و نسب (نیاکان)
۱۰۱	قوت و قدرت
۱۰۳	مُلک
۱۰۴	فخر در عرب
۱۰۵	و در نهایت
۱۰۷	افراط و تفریط
۱۰۹	تبعات افراط و تفریط
۱۱۱	مصادیق افراط و تفریط و اعتدال
۱۱۹	افشا اسرار
۱۲۰	رازدار
۱۲۴	افشا سرّ
۱۲۷	اسرار دیگران
۱۲۸	اسرار شیعه
۱۲۹	تقیّه

۱۳۳	امیال و آرزوها.....
۱۳۵	آرزوهای غفلت‌زا.....
۱۳۶	آرزوی قبیح‌تر.....
۱۳۷	دنیای خیالی.....
۱۳۸	خصوصیات آرزوی باطل.....
۱۴۱	درمان بیماری.....
۱۴۳	ایمنی از مکر خداوند.....
۱۴۶	عوامل ایمنی.....
۱۴۸	عواقب ایمنی.....
۱۴۹	وظیفه علماء دین.....
۱۵۱	بدعت.....
۱۵۲	حرمت بدعت.....
۱۵۴	وظیفه ما.....
۱۵۷	وظیفه علماء.....
۱۵۸	رضا به بدعت.....
۱۵۹	موارد بدعت.....
۱۶۰	توبه بدعت‌گذار.....
۱۶۳	بیکاری.....
۱۶۴	اهمیت کار.....
۱۶۶	سیره عملی پیشوایان.....
۱۶۷	کار مشروع.....
۱۶۷	مذمت بیکاری.....
۱۶۹	خواب زیاد.....

۱۶۹	زراعت
۱۷۱	تجسس
۱۷۵	دقت در موارد جواز
۱۷۶	حرمت تجسس
۱۷۸	عقوبت تجسس
۱۸۱	تحقیر مؤمن
۱۸۳	لزوم تکریم مؤمن
۱۸۵	حرمت تحقیر
۱۸۶	توالی فاسده
۱۸۸	تذکر
۱۸۹	ترس و دلهره
۱۹۲	خوف از خداوند
۱۹۳	خوف از مقام رب
۱۹۴	مقام رب
۱۹۵	خوف صادق
۱۹۸	مایه خوف
۲۰۰	اسباب خوف
۲۰۱	خوف عالم
۲۰۳	خوف و رجاء
۲۰۶	آثار خوف
۲۰۷	گریه از خوف
۲۱۳	تعصب
۲۱۴	تعصب مذموم

۲۱۵	عوامل تعصب
۲۱۸	تبعات تعصب
۲۲۰	تعصب ممدوح
۲۲۳	تعذی از حدود
۲۲۴	تغییر آفرینش
۲۲۵	شبهه
۲۲۸	تشبه
۲۳۰	شناوردگی
۲۳۲	شماتت
۲۳۳	استبداد
۲۳۵	شهرت
۲۳۷	مواد مخدر
۲۳۹	تمسخر
۲۴۰	عوامل تمسخر
۲۴۱	مصادیق تمسخر
۲۴۵	تمسخر و عذاب
۲۴۷	توهین به مقدّسات
۲۴۸	نبی مکرم ﷺ
۲۴۹	آل بیت پیامبر ﷺ
۲۵۰	قرآن
۲۵۲	کعبه
۲۵۳	بیت المقدس
۲۵۳	مسجد

۲۵۴	مشاهد مشرفه
۲۵۴	تربت
۲۵۶	علماء دین
۲۵۷	سادات
۲۶۱	وسائط خیر
۲۶۲	سالمندان
۲۶۳	تهمت
۲۶۳	به خداوند
۲۶۴	به انبیاء
۲۶۶	به مؤمنین
۲۶۷	چند تذکر
۲۶۹	جاه طلبی
۲۷۱	خصائص مقام
۲۷۳	مُحِبِّ مقام
۲۷۵	در آخرت
۲۷۶	زمامداری علی ۷
۲۷۹	طلب ریاست برای غیر
۲۸۰	آیه شریفه
۲۸۰	ریاست واقعی
۲۸۳	جدال
۲۸۶	مصادیق جدال غیر احسن
۲۹۰	مراء
۲۹۳	چاپلوسی

۲۹۵	یک استثناء
۲۹۵	دلایل حرمت
۲۹۹	شیوه برخورد با مداح
۳۰۳	مدح فاجر
۳۰۴	مدح خود
۳۰۷	چشم چرانی
۳۱۵	تبعات چشم چرانی
۳۱۸	آثار مثبت فرو بستن چشم
۳۱۹	نکات
۳۲۵	حبس حقوق
۳۲۶	انواع قرض
۳۲۷	انظار معسر
۳۲۹	معطل نمودن بستانکار
۳۳۰	نیت اداء
۳۳۱	ثواب پرداخت دین
۳۳۳	مقدار پرداخت
۳۳۵	حدود آزادی
۳۳۶	آزادی فطری
۳۳۷	آزادی اجتماعی
۳۳۷	منشاء اختلاف
۳۳۸	حقوق و آزادی
۳۴۰	آزادی در اسلام
۳۴۱	انسان در اسلام

۳۴۳		حَدَّثَهَا
۳۴۴		حکام و آزادی
۳۴۵		نفاق بزرگ
۳۵۱		حسادت
۳۵۳		اثرات حسادت
۳۵۴		خصوصیات حسود
۳۵۷		حسادت یا غبطه
۳۵۸		موضع گناه
۳۵۹		دو نوع حسادت
۳۶۱		خشکه مقدسی
۳۶۲		شیطان
۳۶۳		اصحاب
۳۶۹		تابعین
۳۷۰		باطن نه ظاهر
۳۷۳		نتیجه
۳۷۷		خودپسندی
۳۷۸		مراتب عجب
۳۷۹		عواقب عجب
۳۸۲		عجب مایه‌ای ندارد
۳۸۴		معالجه عجب
۳۸۷		خودکشی
۳۸۸		عوامل خودکشی
۳۹۱		راه درمان

۳۹۲	سقط جنین
۳۹۶	در زمانه ما
۳۹۷	دیه سقط جنین
۳۹۹	خیانت در امانت
۳۹۹	اهمیت امانت داری
۴۰۳	محک سنجش آدمی
۴۰۴	امانت داری در زندگی
۴۰۵	غیر مؤتمن
۴۰۶	خائن
۴۰۸	امانت الهی
۴۱۱	دروغ (اوصاف و تبعات)
۴۱۲	بیان دیگر:
۴۱۴	اساس در سخن
۴۱۴	اوصاف کذب
۴۱۸	تبعات دروغ
۴۲۳	موجبات دروغ
۴۲۵	دروغ در قیامت
۴۲۷	دروغ (مراتب، جواز و...)
۴۲۷	مراتب دروغ
۴۳۰	سه نمونه دیگر
۴۳۲	تحریم بر دروغ
۴۳۳	موارد جواز
۴۳۵	توریه

۴۳۸	گوشت دادن به دروغ
۴۳۹	توبه
۴۴۱	دروغ (سوگند دروغ)
۴۴۵	مشروعیت سوگند
۴۴۶	سوگند واجب
۴۴۷	سوگند مکروه
۴۴۸	سوگند حرام
۴۴۹	مصادیق
۴۵۱	کفاره سوگند
۴۵۲	دو نکته
۴۵۳	متعلق سوگند
۴۵۷	دروغ (شهادت دروغ)
۴۵۸	وجوب اجابت
۴۵۹	ثواب گواهی دادن
۴۶۰	رجوع از شهادت
۴۶۰	شهادت زور
۴۶۳	شرایط شهود
۴۶۶	اکرام شهود
۴۶۹	دشمنی نفس
۴۷۰	ویژگی های نفس
۴۷۳	لزوم تزکیه نفس
۴۷۴	عوامل تهذیب
۴۷۹	نوعی مبارزه

۴۸۱	 دنیا و دین
۴۸۳	 نگرش اسلام به حیات
۴۸۴	 دنیا در آیات
۴۸۸	 دنیا در روایات
۴۹۵	 دنیاخواهی
۴۹۶	 چرا دنیا را دنیا نامیدند؟
۴۹۷	 حبّ ذاتی
۴۹۸	 وسیله
۵۰۱	 زهد
۵۰۲	 دنیا برای مؤمن
۵۰۴	 گذرگاه
۵۰۵	 گول زننده
۵۰۸	 عشق به دنیا
۵۱۰	 دو هوو
۵۱۱	 مثل دنیا
۵۱۳	 تلخی و شیرینی
۵۱۶	 نتیجه دنیا طلبی
۵۱۷	 دزدی
۵۱۸	 حقّ الناس
۵۲۰	 شرایط اجرای حدّ
۵۲۴	 بخشش سارق
۵۲۵	 پاسخ به سه شبهه
۵۳۱	 ربا

۵۳۱	ربا چیست؟
۵۳۳	حیل شرعیه
۵۳۴	مکیل و موزون
۵۳۴	ربا در قرآن
۵۳۶	ربا در اخبار
۵۳۹	رباخوار بعد از مرگ
۵۴۰	استثنائات
۵۴۱	قرض الحسن در مقابل ربوی
۵۴۲	قرض الحسن در آیات
۵۴۳	قرض الحسن در روایات
۵۴۷	رشوه
۵۴۹	رشوه در احکام
۵۵۰	حق السکوت
۵۵۲	هدیه
۵۵۳	هدیه اشعث
۵۵۵	یک نکته
۵۵۷	ریا
۵۶۱	علائم ریاکار
۵۶۲	خفاء در اعمال
۵۶۴	تبعات ریا
۵۷۰	نگهداری عمل
۵۷۳	زنا
۵۷۵	اثرات دنیوی

۵۷۷	عواقب اخروی
۵۷۸	حدّ
۵۷۹	راه‌های پیشگیری
۵۸۳	زنا (متعلقات زنا)
۵۸۳	مساحقه
۵۸۴	وساطت
۵۸۵	دیانت
۵۸۵	استمنا
۵۸۷	نکاح بهائم
۵۸۷	بوسه
۵۸۸	مصافحه
۵۸۹	زنای گوش
۵۹۰	استعمال عطر
۵۹۳	زبان زبان
۵۹۴	فوائد زبان
۵۹۶	فوائد گفتاری زبان
۵۹۷	ضررهای زبان
۵۹۹	گناهای که از زبان صادر می‌شوند
۶۰۵	فهرست منابع
۶۱۵	عناوین مباحثی که در جلد دوم می‌خوانید

مقدمه

اخلاق بر پایه اصول جهان‌بینی تعریف می‌شود و نظریات اخلاقی بستگی به تصویری دارند که ایدئولوژی ارائه می‌دهد.

برای تبیین نظریه اسلام در خصوص «اخلاق» و میزان اهمیت آن، توجه به سه اصل ذیل به عنوان اصول جهان‌بینی اسلام، ضروری است.

الف - اعتقاد به مبدأ هستی بخش، خداوندی که ملکیت جهان به دست قدرت اوست. إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...^(۱)، به طوری که هیچ عملی بدون اذن او از مخلوقاتش صادر نمی‌شود و هیچ برگری بی اذن حضرتش از درختی بر زمین نمی‌افتد... «وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^(۲).

ب - اعتقاد به اینکه هیچ چیزی در عالم به غیر از خدای متعال استغالی ندارد، واجب الوجود، او و تنها اوست و غیر او همه ممکناتی هستند که وجود آنها به او بستگی داشته و همه را خداوند برای تکمیل نظام طبیعت و نقش آنها در هدایت اشرف آنان یعنی انسان آفریده است. بنابراین جماد، نبات، حیوان، ملک، جن و انس موجوداتی وابسته بوده و غنای محض

۱ - (توبه - آیه ۱۱۶).

۲ - (انعام - آیه ۵۹).

فقط خداوند است. «... إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۱)

ج - اعتقاد به معاد و اینکه خلقت جهانی چنین منظم و دقیق، بیهوده نبوده و انسان که اشرف کائنات لقب گرفته، یله آفریده نشده است.

او را زمانی است که جوابگوی شرافتش باشد و برخورد او با همه کائنات که تنها برای گل سرسبد وجود، خلق شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. «... إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (۲)

اینکه به دنبال طرح این اصول، لازم است ویژگی‌های انسان و البته خصایصی که مرتبط با بحث است و ما را در رسیدن به بیان برنامه اخلاقی اسلام یاری می‌دهد، به اجمال فهرست نماییم.

۱- انسان از دو بخش جسمانی و روحانی ترکیب یافته است. جسم آدمی از خاک «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (۳) و روح او مستقیماً از سوی خداوند به وی دمیده شده است. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (۴)

۲- روح دارای مراتبی است و به اختصار می‌توان سه مرتبه برای آن در نظر گرفت: مرتبه اول، نفس نباتی است که رشد و نمو را کنترل می‌کند؛ مرتبه دوم نفس حیوانی بوده و مأمور غرایز و ادراکات محدود می‌باشد؛ سومین مرتبه نفس انسانی است و البته شخصیت انسان به همان وابسته بوده و وجه تمایز انسان از سایر موجودات نیز همان است.

طبعاً این سه مرتبه در طول هم قرار دارند. بالاترین مرتبه نفس نباتی، پایین‌ترین مرتبه نفس حیوانی بوده و همین‌طور بالاترین مرتبه نفس حیوانی، پائین‌ترین مرتبه نفس انسانی است؛ ضعیف‌ترین مرحله نفس انسانی آخرین حد سقوط آدمی و همان أسفل السافلین

۱ - (سوره لقمان - آیه ۲۶).

۲ - (سوره مائده - آیه ۴۸).

۳ - (سوره مؤمنون - آیه ۱۲).

۴ - (سوره شوری - آیه ۲۹).

اوست؛ و البته بالاترین مرتبه آن، نهایت قوس صعودی و اعلیٰ علیین می‌باشد و از آن به کمال مطلوب تعبیر می‌کنیم.

۳- روان آدمی از سه قوه شهویه، غضبیه و عقلیه تشکیل یافته است. قوه شهویه تمام خواسته‌ها و امیال انسانی را عهده‌دار است و اولین علامت بروز آن، از لحظه تولد و با میل به غذا «شیر» آغاز می‌گردد و با همان، اعلام موجودیت می‌کند.

قوه غضبیه مسئولیت دفاع از انسان را در برابر خطرات احتمالی بر عهده دارد، و برای اولین بار در زمان شیرخوارگی و با حرکت دست و پا برای دفع پشه‌ای و یا هر عامل تعدی کننده دیگری بروز می‌نماید.

قوه عقلیه عهده‌دار تحلیل ادراکات حاصله از سایر ابزارهای جسمی و روحی بوده و کنترل قوای مختلف و حفظ تعادل آنها را برای ادامه سیر طبیعی به سوی کمال مطلوب بر عهده دارد. ۴- انسان موجودی نسبتاً مختار آفریده شده است. وی اعمال و رفتار خود را بر اساس همین اصل، انجام داده و در تراحم امیال و گرایش‌ها، توان برگزیدن راه و مسیری دلخواه از روی علم و آگاهی را داراست. گستردگی این خصلت، آدمی را از سایر موجودات دیگر که به نوعی هرچند اختیاری، مجبور و مجبورند و نیز موجوداتی که اختیارات محدود آنها غریزه‌ای و نه از روی آگاهی است، متمایز می‌سازد.

۵- نیازهای آدمی به شکلی است که امکان زندگی فردی برای او وجود ندارد، انسان اجتماعی خلق شده و لذا یکی از مؤثرات در وجود او همان اجتماع می‌باشد.

۶- یکی از ذاتیات انسان خوددوستی است، این امر ذاتی یعنی «حب ذات» به صورت دو عشق دیگر بارز می‌شود و آن دو «حب بقا» و «حب کمال» می‌باشند، او چون خود را دوست دارد می‌خواهد بماند و بالاتر اینکه می‌خواهد به بهترین شکل ممکن بماند.

ناگفته نماند که حضرت آدم علیه السلام بخاطر همین ویژگی، مورد اغوای ابلیس قرار گرفت و به درختی که گمان می‌کرد آب حیات است و او را خالد و جاودان می‌سازد، پناه برد.

خود دوستی، آدمی را به حرکت برای بقاء و کمال خویشتن و می‌دارد و لذا منافع را برای

خود جلب و جذب می‌کند و ضررها را از خود دفع می‌نماید. معیار منفعت و ضرر نیز همان چیزی است که بتواند او را در رسیدن به هدفش یاری نماید یا دور سازد.

۷- استعداد ذاتی انسان‌ها بی‌تردید در شکل‌گیری شخصیت آتی او نقش مهمی ایفاء می‌کند. این استعدادها در همه افراد بشر به یک گونه نیستند، خواجه نصیر در اخلاق ناصری ظرفیت‌های اولیه را به پنج دسته تقسیم می‌کند، بنابراین تقسیم، دسته‌ای از انسان‌ها خیرند و خیر آنان مسری است. دسته‌ای دیگر خیر فی‌نفسه می‌باشند. عده‌ای نیز خیر و شر آنان مساوی بوده، چهارمین گروه شر ولی آفات آنان مسری نمی‌باشد و دسته پنجم شر مسری هستند.

البته ظرف آدمی بعد از تولد نسبت به پذیرش خیر و شر علی السویه است ولی این ظرف (ظرف پذیرش)، با توجه به استعداد ذاتی آن همسان نیست و طبعاً دسته پنجم برای رسیدن به سعادت راهی بس دشوار در پیش دارند، راهی که با مشقت کمتری برای دسته اول امکان‌پذیر است.

۸- میل و رغبت انسان به شقاوت بیش از سعادت اوست، و این به جهت وجود قوای شهوت و غضب، نفس و سوسه‌گر درون، ابلیس و جلوه‌های بیرون، موافقت شرور با لذات جسمانی و آنی و بدون تأخیر و... می‌باشد.

قال علی (علیه السلام): «الشُّرَّ كَامِنٌ فِي طَبِيعَةِ كُلِّ أَحَدٍ فَإِنْ غَلَبَهُ صَاحِبُهُ بَطَنَ وَإِنْ لَمْ يَغْلِبْهُ ظَهَرَ»^(۱) و نیز فرموده است:

«أَكْرَهُ نَفْسَكَ عَلَى الْفَضَائِلِ فَإِنَّ الرِّذَائِلَ أَنْتَ مَطْبُوعٌ عَلَيْهَا»^(۲)

با توجه به اصولی که مطرح شد و نیز پس از بیان خصوصیات انسان، حرکت انسان به

۱- بدی در نهاد هر انسانی قرار داده شده است، اگر آدمی بر آن چیره شد، پنهان ماند و گرنه آشکار شود. (غرر الحکم).

۲- نفس خود را به نیکیها و ادب‌ها، که بدیها باطبیع در نهاد تو گذاشته شده است. (غرر الحکم).

سوی کمال مطلوب و نهائی خود حتمی به نظر می‌رسد، اما این هدف غایی برای آدمی، کجاست؟

دین اسلام به عنوان تمام‌ترین و کامل‌ترین ادیان آسمانی، کمال نهایی را در «قرب الهی» معرفی کرده است، هر چند خدای متعال از رگ گردن به آدمی نزدیکتر است. «... وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^(۱)، ولی این نوع از تقرب تکوینی بوده و در اختیار آدمی نیست و طبعاً مشمول ثواب و عقاب نیز نمی‌باشد.

بدیهی است نزدیکی خداوند به انسان به حدی است که حضرت جلّ جلاله، از شدت ظهور در خفاست، همچون خورشید که هر چه به چشم نزدیکتر گردد، دیده را خیره ساخته و آن را از رؤیت خود محروم می‌سازد. البته این گوی فروزان مخلوق اوست و این مثال جز جهت تقریب ذهن بیان نشده است.

تقریبی که ما از آن سخن به میان آوردیم آن است که انسان در سایه اراده و اختیار خود از نفس سویه، بدان حدّ از تقرب راه یافته باشد که به مراحل بالا و بالاتر و آخرین مرتبه قوس صعودی منتهی گردد.

این مهم زمانی برای انسان محقق می‌شود که وی ضمن اعتقاد راسخ به مبدأ غنی و رجوع خلاق فقیر به او، امیال اصیل را از میان گرایش‌های دیگر باز شناسد، مؤثرات درونی و بیرونی را مورد غفلت قرار ندهد، قوای روح خود را معتدل سازد و روانش را به ملکات حسنه قوّت بخشد. جسمش را در کنترل خود گرفته تا حدی که خصوصیت جسمانی را از او بازستانده، الم و لذّت مادی را از او گرفته، و حتی بعد از جدا شدن از آن، خاک را در وی بی‌تأثیر نماید.

بی‌تردید چنین تقریبی تنها در سایه عمل امکان‌پذیر است، همان که ده‌ها بار در قرآن کریم

در کنار اعتقاد ذکر شده است. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۱)

شناخت چنین اعمالی که بتواند حرکت فطری تکاملی انسان را شتاب بخشد و موانع بر سر راه را بر دارد، به آسانی ممکن نبوده و یا اساساً غیر ممکن است چه اینکه انسان را توان احاطه بر آینده نیست و اسباب و موانع را نمی‌تواند از پیش بشناسد.

به هر حال او محتاج به منبعی قوی و مطمئن است که پستی و بلندی‌ها را عیان و راه لغزش را مسدود کرده و نه فقط «اهدای طریق» بلکه تا «ایصال الی المطلوب» آدمی را همراهی نماید و این همان وحی نازل از سوی خداوندی است که تمام صفحه وجود، و گذشته و آینده برای او آشکار می‌باشد. و البته تنها از همین راه، و تفسیر و تبیین آن راه به وسیله کسانی که با وحی با او مرتبطند، می‌توان به هدف غایی و کمال نهایی دست یافت.

علاوه بر این سیر عقلانی که بازگو نمودم، بحران اجتماعی حاصله از زندگی ماشینی، از ناهنجاری‌های جامعه تا گسسته شدن تار و پود خانواده و گسترش دنیاگرایی و زوال ملکات حسنه و ترویج رذایل و حرکت شتابان به سوی مدینه جاهله و دوری از مدینه فاضله به قدر توسعه ارتباطات، ما را به این مهم وامی‌دارد که چاره‌ای اندیشه کنیم.

آنچه پیش روی دارید حاصل سال‌ها مطالعه و تحقیق و پژوهش در آیات و روایات و حکایات و نیز صدها کتاب و مقاله در این باره است.

این مجموعه به بررسی یکصد موضوع اخلاقی (بخش رذائل) پرداخته و تصویری همه جانبه را از هر رذیله ارائه داده است. همچنین جنبه‌های قابل پرهیز بررسی شده و در انتها آثار وضعی رذائل بیان شده است.

گسترش موضوعات و عناوین، شاخ و برگ‌های عملی مباحث مطروحه، توجه نه جنبی و حاشیه‌ای، بلکه اصیل و دقیق به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و علوی و ولوی و حتی‌المقدور بیان محتوای آنها در ترجمه و پرهیز از ترجمه‌های تحت لفظی، از شاخصه‌های

این نوشتار است. البته چه بسا در بدو امر، ظاهر برخی عناوین، اخلاقی به نظر نرسد و در زمره مباحث اعتقادی و یا تاریخی قرار گیرد، ولی سیر مباحث و گرایش عناوین، به سوی اخلاق عملی است، مضافاً اینکه همان مباحث از جهات نه چندان بعیدی می‌توانند در پرونده مسائل اخلاقی جای گیرند و حتی عناوینی چون موضوعات مرتبط با معاد، می‌توانند زیربنای مسائل اخلاقی شمرده شوند.

به هر حال با اینکه نهایت سعی خود را بکار برده‌ام تا مجموعه‌ای وزین ارائه نمایم، اما هیچ‌گاه، کار خود را عاری از عیوب ندانسته و به وجود نقایص و لغزش‌هایی که شاید آنها را محسنات شمرده و یا اساساً از آنها غافل بوده‌ام، مطمئن می‌باشم، چرا که عیوب و کاستی‌ها از صفات غیر قابل الشکاک بندگان در مقابل خالق منزّه از هر عیب و نقصی است، «سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»^(۱) و اگر نقص بنده آشکار نشود، چگونه کمال معبود عیان گردد؟

در پایان از حضرت احدیت جل و علی می‌خواهم که مرا از نقد و ارشاد مؤمنین محروم نسازد.

امید که خدای متعال عنایت امام عصر (عج) را بر نویسنده و خواننده مستدام و مشمول ادعیه شریفه حضرتش نموده و در زمره خادمان و سربازانش ثبت نام کند و ظهور او را هر چه سریعتر مقرر فرماید. ان شاء الله

۱۸ ذی الحجة ۱۴۱۹

قم المقدسة

علی غضنفری